

تحلیل گفتمان ادبی خطبه حضرت زهرا علیها السلام در برابر زنان مهاجرین و انصار

محمدحسین فؤادیان^۱

هانیه درستکار^۲

معصومه تقی‌زاده^۳

چکیده

به طور کلی گفتمان به بافت زبان در مراحل بالاتر از جمله اطلاق می‌شود. تحلیل گفتمان چگونگی شکل‌گیری معنا را در ارتباط با عوامل درون زبانی (زمینه متن) و برون زبانی (زمینه اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی می‌کند، به عبارت دیگر گفتمان، واکاوی معنا در بافت است. ادیب در گفتمان ادبی می‌کوشد با ایجاد تناسب میان عناصر زیباشناختی ادبی و بافت موقعیت به اقتناع و اثرگذاری بر مخاطب بپردازد. خطبه حضرت زهرا علیها السلام در برابر زنان مهاجر و انصار یکی از مهم‌ترین خطبه‌های ایشان در باب دفاع از ولایت است که آن را در بستر بیماری ایراد فرمود. حضرت در این خطبه به منحرف شدن مردم از مسیر اصلی هدایت پرداخته که توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ترسیم شده بود و از حقایق فراموش شده برمی‌دارد. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و از منظر گفتمان ادبی به بررسی ساختارهای مختلف خطبه بر اساس بافت موقعیتی و بافت متنی آن پرداخته است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که موقعیت ایراد خطبه از قبیل سستی و غفلت مردم در دفاع از حق، عهد شکنی و نادیده گرفتن جایگاه حضرت علی علیه السلام در امر خلافت باعث شده است که ساختارهای مختلف خطبه صرفاً ابزاری برای زیباسازی متن نباشد و در زمینه تبیین حقایق و بیدارسازی وجدان‌های به خواب‌رفته به عنوان عنصری فعال عمل کند و در نهایت به هدف خطبه جامه تحقق ببوشاند که اقتناع و اثرگذاری بر مخاطب می‌باشد.

واژگان کلیدی: حضرت زهرا علیها السلام، خطبه، تحلیل گفتمان، بافت موقعیتی، بافت متنی.

۱- دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران foadian@ut.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران dorostkar.h@ut.ac.ir

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران، نویسنده مسئول masometaghizadeh@ut.ac.ir

مقدمه

تحلیل گفتمان^۱ که در زبان فارسی به سخن کاوی، تحلیل کلام و تحلیل گفتار نیز ترجمه شده است، گرایشی مطالعاتی بین رشته‌ای است که از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ در پی تغییرات گسترده علمی- معرفتی در رشته‌هایی چون انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، جامعه‌شناسی خرد، ادراکی و اجتماعی، شعر، معانی، زبان‌شناسی، روان‌شناسی، نشانه‌شناسی و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی علاقه‌مند به مطالعات نظام‌مند ساختار و کارکرد و فرآیند تولید گفتار و نوشتار ظهور کرده است.

گفتمان را باید نمایانگر تبیین زبان در ورای جمله و کلمات و عبارات دانست و آن را در علایم و کنش‌های غیر کلامی و کلیه ارتباطات میان افراد جستجو کرد (سلیمی، ۱۳۸۳: ۵۵). ادعای تحلیل گفتمان آن است که تحلیلگر در بررسی یک متن، از خود متن فراتر می‌رود و وارد بافتی از زمینه متن می‌شود، یعنی از یک طرف به روابط درون متن و از طرف دیگر به بافت‌های موقعیتی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی متن می‌پردازد (نظری، بی تا: ۹). براساس تفاوت موجود در بنیان‌های نظری و ابزارهای تحلیل، رویکردهایی متفاوت در حوزه تحلیل گفتمان وجود دارد که از این میان فرکلاف گفتمان را به مثابه کردار اجتماعی در نظر می‌گیرد و از رویکردی کاملاً اجتماعی برخوردار است. «فرکلاف یکی از شخصیت‌های شاخص در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی است. در نگاه وی، تحلیل گفتمان انتقادی، روشی است که در کنار سایر روش‌ها برای بررسی تغییرات اجتماعی و فرهنگی به کار گرفته می‌شود؛ مرجعی است که در نزاع علیه استثمار و سلطه مورد استفاده قرار می‌گیرد. رویکرد فرکلاف، نوعی تحلیل گفتمان متن محور است که تلاش می‌کند سه سنت تحلیل مفصل متن در حوزه زبان‌شناسی، تحلیل جامعه‌شناختی کلان‌کنش اجتماعی و سنت تفسیری و خرد در جامعه‌شناسی را با یکدیگر تلفیق کند» (محسنی، ۱۳۹۱: ۶).

فرکلاف گفتمان را این گونه تعریف می‌کند: «من گفتمان را مجموعه‌ای به هم تافته از سه عنصر عمل (کردار) اجتماعی، عمل گفتمانی (تولید، توزیع و مصرف متن) و خود متن می‌دانم و تحلیل یک گفتمان خاص، تحلیل هر یک از این سه بعد و روابط میان آن‌ها را طلب می‌کند. فرضیه ما این است که پیوندی معنادار میان ویژگی‌های خاص متون، شیوه‌هایی که متون با یکدیگر پیوند می‌یابند و تعبیر می‌شوند و ماهیت عمل اجتماعی وجود دارد» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹۷-۹۸).

در واقع فرکلاف متون را بر ساخته شرایط اجتماعی و مناسبات قدرت می‌داند و از نظر او زبان در سطوح متفاوت حامل ایدئولوژی می‌باشد.

1. Discourse analysis

خطابه یکی از فنون بیان است که هدف از آن اقناع مخاطبان و اثرگذاری بر ایشان می‌باشد و خطیب با توجه به این که سعی در اقناع مخاطبان خود دارد، تلاش می‌کند تا بهترین کلمات را برای پرده برداشتن از آن چه مقصود وی است، انتخاب کند و مطابق مقتضای حال مخاطب عمل نماید. خطبه‌های حضرت زهرا علیها السلام بیانگر این واقعیت است که او سخنوری بلیغ، خطیبی نستوه و همتای همسرش امیر مؤمنان علی علیه السلام بوده است و خطبه‌های حضرت را در نهج البلاغه تداعی می‌کند. زیبایی لفظ و معنا، قدرت ترکیب و تنوع آن، به کارگیری عواطف و احساسات، کاربرد اسلوب قرآنی و استشهاد به آیات قرآن کریم از ویژگی‌های بارز خطبه‌های حضرت است که یادآور خطبه‌های درخشان نهج البلاغه می‌باشد. اما آن چه که بیش از همه این موارد به کلام ایشان زیبایی خاص بخشیده، بافتی است که حضرت، کلام خود را در آن ایراد نموده و همین امر، ما را به بحث تحلیل گفتمان وارد می‌سازد.

این پژوهش در پی آن است که از منظر تحلیل گفتمان ادبی با کشف ارتباط بین ابزارهای ادبی خطبه و بافت موقعیتی و بافت متنی به تجزیه و تحلیل خطبه مذکور پردازد و نشان دهد که تمامی ساختارهای ادبی این خطبه متناسب با بافت موقعیتی این چنین بوده که نقشی بسیار مهم در تبیین حقایق برای مخاطب داشته است. متن خطبه برگرفته از جلد چهارم و سه کتاب بحارالانوار علامه مجلسی می‌باشد و در برگردان آن از ترجمه ناصر مکارم شیرازی استفاده شده است.

۱. ادبیات نظری پژوهش

۱-۱. پیشینه پژوهش

از جمله پژوهش‌های انجام شده در زمینه تحلیل گفتمان ادبی خطبه‌های حضرت زهرا علیها السلام می‌توان به دو دسته پژوهش اشاره کرد:

دسته اول پژوهش‌هایی است که در شرح و تفسیر این خطبه نگاشته شده است؛ می‌توان به شرح و تفسیر منتظری، مکارم شیرازی، مصباح یزدی، مجتبی تهرانی و دیگران اشاره نمود.

دسته دوم پژوهش‌هایی است که روش تحلیل گفتمان را برای بررسی این خطبه و دیگر خطبه‌های حضرت زهرا علیها السلام به کار بسته اند:

۱- کبری روشنفکر، فاطمه اکبری زاده، «تحلیل گفتمان انتقادی خطبه فدک حضرت زهرا علیها السلام»، ۱۳۹۰، مجله منہاج، مرکز مطالعات فرهنگ و اندیشه دینی، سال هفتم، شماره ۱۲، صص ۱۲۵-۱۴۵. در این پژوهش نویسنده با روش تحلیل گفتمان انتقادی به بررسی ایدئولوژی حاکم بر جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و نیز تحولاتی در جامعه اسلامی می‌پردازد که زمینه ایراد خطبه فدکیه بوده است.

۲- مصطفی مهرآیین و علیرضا قبادی، «تحلیل گفتمان خطبه فدکیه حضرت زهرا علیها السلام»، فصلنامه علمی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ۱۳۹۹، دانشگاه تهران، سال دهم، شماره ۲، صص ۹-۲۲. نویسندگان این

پژوهش در صدد هستند تا با استفاده از نظریه بازتاب و روش تحلیل گفتمان جیمز پول جی و روث وداک نشان دهند که در گفتمان دینی حضرت زهرا علیها السلام به چه شیوه یا شیوه‌هایی به بازنمایی چهار مسئله «توحید، نبوت، ارث و حاکمیت بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم» پرداخته شده است.

نظریه تحلیل گفتمان علاوه بر خطبه‌های حضرت در متونی دیگری نیز به کار گرفته شده‌اند:

۳- حسین چراغی‌وش و سید محمود میرزایی الحسینی و سعیده محمودی، «تحلیل گفتمان ادبی خطبه جهاد»، ۱۳۹۵، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، دانشگاه بوعلی سینا، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۳۳-۵۴. پژوهش حاضر در صدد است تا از منظر تحلیل گفتمان ادبی، این خطبه را بررسی کند و با تأکید بر مضمون کوتاهی مخاطب در امر جهاد به تناسب آن در سه لایه آوایی، نحوی و دلالی با شرایط جامعه پردازد.

۴- حمیدرضا مشایخی و سعیده زارع اطاقسرائی، «تحلیل بافت متنی و بافت موقعیتی سطح دلالی خطبه قاصعه»، ۱۳۹۹، فصلنامه مطالعات ادبی متن اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (پژوهشکده اسلام تمدنی)، سال پنجم، شماره ۳، صص ۹-۳۱. نویسندگان در این پژوهش بر آن هستند تا با بررسی سطح دلالی این خطبه، ارتباط میان بافت متن و موقعیت را به اثبات برساند و نتیجه آن نشان می‌دهد بافت موقعیتی و شرایط زمانی، مکانی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منجر به زنده شدن احکام جاهلی، قبيله گرایی، تعصب جاهلیت و تکبر کورکورانه شده است و سطح دلالی هم نشان از همین امر دارد.

در مورد خطبه حضرت زهرا علیها السلام در بستر بیماری و در برابر زنان مهاجرین و انصار نیز شروع و نگاهتهایی وجود دارد لکن پژوهشی که از این روش نظام مند نقدی بهره جسته باشد، یافت نشد.

۱-۲. پرسش‌های پژوهش

- ۱- بافت متنی و بافت موقعیتی خطبه حضرت زهرا علیها السلام چگونه برای انتقال هر چه بهتر مفاهیم در یک راستا قرار گرفته‌اند؟
- ۲- رابطه بافت موقعیتی با بافت متنی به چه صورت متجلی شده است؟

۱-۳. فرضیه‌های پژوهش

- ۱- تحلیل گفتمان بر پایه نظریه نورمن فرکلاف در دو بافت موقعیتی و بافت متنی به تحلیلی متن این خطبه و شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر ایراد آن می‌پردازد.
- ۲- بافت متنی در سه سطح آوایی، نحوی و دلالی کاملاً مناسب در ملموس سازی فضای ایرادخطبه و هماهنگ با جو سیاسی و اجتماعی روزگار حضرت زهرا علیها السلام می‌باشد.

۴-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

این پژوهش بر آن است به بررسی بافت متنی خطبه حضرت زهرا علیها السلام بپردازد و سطوح مختلف این متن را در کنار بافت موقعیتی تحلیل کند تا جلوه‌های رسایی و شیوایی گفتمان حضرت و سازگاری آن با شرایط سیاسی، فرهنگی، تاریخی و اجتماعی آن روزگار روشن گردد. گذر از صورت‌گرایی و نگاه به آن سوی متن می‌تواند با پرده برداشتن از مسایل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حاکم بر ظرف تولید این خطبه، ضرورت و اهمیت پرداختن به این خطبه را آشکار سازد.

۵-۱. روش پژوهش

این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و اسناد کتابخانه‌ای و مراجعه به منابع معتبر از کتاب و مقاله به تحلیل بافت متنی و بافت موقعیتی خطبه می‌پردازد. «در تحلیل بافت متنی، کامل‌ترین دسته بندی پیشنهادی در کتاب «بلاغه الخطاب و علم النص»، تألیف دکتر صلاح فضل ملاک قرار گرفته است که در سه سطح تجلی می‌یابد: ۱- سطح آوایی که مرتبط با بحث صوتی گفتمان است و ایجاد هیجان می‌نماید، ۲- سطح نحوی که به بررسی ساختمان جمله‌ها می‌پردازد، ۳- سطح دلالی که بر پایه دسته‌بندی‌های بلاغی استوار می‌باشد و در آن سطح معنایی کلام مورد نظر است.

۲. تحلیل گفتمان و مؤلفه‌های آن

یکی از ابزارهای تحلیل متن و از آن جمله خطبه‌های رسای اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، تحلیل گفتمان است. «تحلیل گفتمان یا سخن کاوی، چگونگی تبلور و شکل بندی معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی و عوامل برون زبانی (بافت اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی می‌کند» (لطفی پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۱۰). اصطلاح «تحلیل گفتمان»، نخستین بار در سال ۱۹۵۲ در مقاله‌ای از زبان شناس معروف انگلیسی «زلیک هریس» به کار رفته است. در تحلیل گفتمان، دو عنصر مهم مورد بررسی قرار می‌گیرند: یکی بافت متن و دیگری بافت موقعیت. منظور از بافت متن این است که یک عنصر زبانی در چارچوب چه متنی قرار گرفته است و جملات ماقبل و مابعد آن عنصر در داخل متن چه تأثیری در تبلور صوری، کارکردی و معنایی آن دارند. در بافت موقعیتی، یک عنصر یا متن در چارچوب موقعیتی خاص که تولید شده، بررسی می‌شود (بهرام پور، ۱۳۷۹: ۱۴۲). از این رو برای آن که بتوان در جریان گفتمان متن قرار گرفت، توجه به این دو عنصر ضروری می‌نماید؛ زیرا متون همواره، محصول موقعیت و شرایط حاکم در هنگام تولید آن‌ها می‌باشد. پژوهش حاضر بر آن است که بافت متنی خطبه حضرت زهرا علیها السلام در برابر زنان مهاجرین و انصار را با توجه به شرایط حاکم بر ایراد آن مورد بررسی قرار دهد تا از این رهگذر بتوان در سطوح مختلف آوایی، نحوی و دلالی به گفتمان روشنگرانه حضرت در آن برهه حساس تاریخی دست یافت.

۱-۲. بافت موقعیتی و مؤلفه‌های آن

بافت موقعیتی عبارت از زمینه و شرایطی است که سخن در آن جریان می‌یابد و از آن با اصطلاحاتی، مانند زمینه، بافت، بافت موقعیتی، سیاق و در بلاغت قدیم با عنوان اقتضای حال یا مقتضای حال و اعتبار مناسب تعبیر کرده‌اند (فتوحی رود معجنی، ۱۳۹۱: ۵۷). عنصر شخصی از مهم‌ترین عناصر این بافت می‌باشد که دو طرف گفتمان، یعنی فرستنده و گیرنده نماینده این عنصر شخصی هستند؛ ارتباط بین دو طرف گفتمان و همچنین زمان، مکان و شرایط زندگی حاکم بر این دو طرف، مانند شرایط اجتماعی، سیاسی یا فرهنگی نیز از عناصر بافت به شمار می‌آیند. «تبیین و توجیه کارکردها باید با توجه به بافت یا بستر گفته انجام گیرد؛ بنابراین اجزای بستر گفتار را این گونه تقسیم می‌کنیم: مکان وقوع گفته، زمان وقوع گفته، موضوع گفته (موضوع سخن چیست)، رابطه طرفین گفتگو (معلم و شاگرد، رئیس و زیر دست، همکلاسی با همکلاسی و جز آن‌ها) ایدئولوژی و روابط قدرت نقش اجتماعی فرد و دیگر موارد» (مشایخی و زارع، ۱۳۹۹: ۶).

۲-۲. بافت متنی و مؤلفه‌های آن

منظور از بافت زبانی یا متنی همان متنی است که از انسجام میان کلمات و جملات حاصل شده است و معنای مورد نظر شخص سخنگو را به مخاطب می‌رساند. «سخنگو با پیوند شماری از جمله‌های زبان، یک بافت یا یک متن می‌سازد که بافت زبانی نامیده می‌شود» (فتوحی رود معجنی، ۱۳۹۱: ۵۷). بافت متنی خطبه حضرت زهرا علیها السلام شامل بررسی بافت محتوایی و بافت ساختاری می‌باشد؛ زیرا «در گفتمان جدایی میان شکل و مضمون رد می‌شود و ساختارها و اشکال زبانی در کنار هدف نویسنده مورد بررسی قرار می‌گیرد» (فضل، ۱۹۹۲: ۷۸).

۳. معرفی خطبه فدکیه و خطبه حضرت زهرا علیها السلام در برابر زنان مهاجرین و انصار

پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، حکومت وقت دست روی فدک گذاشت و نمایندگان فاطمه علیها السلام را از آن بیرون کرد. این مطلبی است که ابن حجر دانشمند معروف اهل سنت در کتاب «صواعق» و ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه و سمهودی در وفاء الوفاء آورده‌اند. بانوی اسلام برای گرفتن حق خود احتجاجاتی نمودند که شرح آن در خطبه فدکیه موجود است (مکارم شیرازی: ۱۳۸۶، ۳۵).

فاطمه علیها السلام که می‌دید این تجاوز آشکار توأم با نادیده گرفتن بسیاری از احکام اسلام مرتبط با این امر، جامعه اسلامی را از یک سو گرفتار یک انحراف شدید از تعالیم اسلام و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و گرایش به سنت‌ها و روش زندگی جاهلی می‌کند و از سوی دیگر مقدمه‌ای برای خانه نشین کردن امیرمؤمنان علی علیه السلام و محاصره اقتصادی یاران جانباز ایشان است، ایراد خطبه فدکیه به دفاع از حق خویش در مقابل غاصبان فدک پرداخت و با تمام وجود خواستار بازگشت این حق مغضوب شد، ولی نظام حاکم از ادای این حق سر باز زد. در همین راستا، حضرت

زهرا علیها السلام افزون بر خطبه فدکیه، خطبه‌ای دیگری ایراد فرموده که با وجود این که چندان به آن پرداخته نشده، اما از لحاظ زمان، مکان و لحن سوزناک و کوبنده متمایز است. اگرچه اصحاب با شنیدن این خطبه عذرخواهی کردند، ولی در نهایت این آخرین فرصت را نیز برای جبران ستم‌هایی که بر دختر پیامبر صلی الله علیه و آله روا داشته بودند، از دست دادند. حضرت پیش‌تر و پس از جریان سقیفه به درب منزل یکایک انصار و مهاجرین مراجعه کرده بود، ولی این بار آخرین تمام حجت را از طریق زنان اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله پیگیری نمود.

۴. بافت موقعیتی خطبه حضرت زهرا علیها السلام در برابر زنان مهاجرین و انصار

خطبه مذکور که به خطبه صغری نیز معروف می‌باشد، درست است که از لحاظ محتوا در راستای خطبه قبلی ایراد شده، اما هم مخاطب آن متفاوت است، هم زمان و مکان و هم حال بانوی اسلام. با این که سؤال زنان مدینه مخصوصاً از حال و وضعیت بیماری ایشان بود و به طور طبیعی وی باید از دردهای خود بگوید، اما با این وجود حتی یک کلمه از حال خویش سخن نگفت و محور تمام سخنان او، مسأله غصب خلافت و مظلومیت علی علیه السلام و خطرات آینده این انحراف بزرگ برای امت اسلامی بود (مشایخی و زارع، ۱۳۹۹: ۵۷). خطبه‌ای که متناسب با وضعیت جسمانی حضرت کوتاه بوده و در بستر بیماری ایراد شده است. صدیقه طاهره علیها السلام پس از ایراد خطبه در مسجد النبی صلی الله علیه و آله، در ادامه مبارزه سیاسی و روشنگری خود، روش سکوت و دوری از جامعه را انتخاب کرد. حضور جمعی از زنان مدینه در منزل حضرت، فرصت مناسب روشنگری و پرده برداشتن از انحرافات فکری، سیاسی و عقیدتی به کمک بانوان انصار و مدینه بود. مخاطبان غیر مستقیمی که می‌توانستند با بازنشر مفاهیم این خطبه یاری‌گر ایشان باشند.

۵. بافت متنی خطبه

خطبه حضرت زهرا علیها السلام که در حضور جمعی از زنان مهاجر و انصار ایراد گشته است، مانند خطبه فدکیه مملو از حکمت، بلاغت، فصاحت و دوراندیشی بوده و حاکی از آگاهی آن حضرت بر مسایل و جریان‌های فکری و حاکم در مدینه النبی است. خطبه مذکور دربردارنده موضوعاتی مختلف، مانند سرزنش و عتاب مردم، بیزاری جستن از پیمان شکنی‌ها، سستی در دفاع از حق، شکایت از خلفای سه‌گانه و مشکلات خلافت آنان و بیان شایستگی‌های امام علی علیه السلام برای در دست گرفتن زمام حکومت در برابر ناشایست بودن خلفای پیشین می‌باشد. براساس الگوی پیشنهادی صلاح فضل، بررسی خطبه از بخش‌های آغازی می‌گردد سپس در بخش‌های نحوی و دلالتی از منظر تحلیل گفتمان ادبی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و تناسب آن با بافت موقعیتی نشان داده می‌شود.

۱-۵. سطح آوایی

در این سطح به بررسی عوامل مؤثر در ایجاد موسیقی و آهنگ کلام می‌پردازیم؛ زیرا موسیقی همواره یکی از مهم‌ترین عناصر اثرگذاری در مخاطب به شمار می‌رود و شاهد مثال بزرگ این ادعا آهنگین بودن سوره‌های مبارک قرآن کریم است. تکرار، سجع و جناس از جمله این عوامل است که به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۱-۵. آوای ناشی از تکرار

«تکرار یکی از عوامل بسیار مهم زبانی به شمار می‌آید که در ایجاد لحن و نحوه کنش آن بر احوال مخاطب بسیار اثرگذار است. موسیقی درونی نیز برخاسته از تکرار در هجا و حروف و کلمه است که در ایجاد ارتباط و ترغیب یا تحذیر مخاطب در امری خاص مؤثر واقع می‌شود» (عباسعلی وفایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲). این صنعت در سه سطح هجا، حروف و کلمات در خطبه مذکور قابل مشاهده است و با بررسی هر کدام می‌توان مقصود حضرت از تکرار هر کدام را دریافت.

۱-۱-۱-۵. تکرار هجا

هجاها در زبان عربی سه نوع هستند:

۱- هجای کوتاه: صامت + مصوت کوتاه مانند: «وَ مَا الَّذِي نَقَمُوا مِنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ»، «چه چیزی سبب گردید تا از ابوالحسن، علی عليه السلام عیبجوی کنند؟»

۲- هجای متوسط:

الف- بسته: صامت + مصوت کوتاه + صامت مانند: «لَا جَرَمَ لَقَدْ قَلَدْتُهُمْ رَبِّيَّتَهَا وَ حَمَلْتُهُمْ أَوْقَتَهُ»، «چون چنین دیدم مسئولیت آن را به گردنشان افکندم».

ب- باز: صامت + مصوت بلند مانند: «وَ يَعْرِفُ التَّالُونَ غَبَّ مَا أَسَسَ الْأَوَّلُونَ، ثُمَّ طَبَّوْا عَنْ دُنْيَاكُمْ أَنْفُسًا»، «سرانجام، دنباله روان [چشم و گوش بسته و بی‌خبر] عاقبت کاری را که پیشوایان‌شان پایه‌گذاری کردند خواهند فهمید [و با تمام وجودشان آثار شوم آن را لمس می‌کنند. [بروید] از این پس به دنیای خود دل خوش کنید، و از آن راضی و خوشحال باشید».

۳. هجای بلند: الف- صامت + مصوت بلند + صامت، ب- صامت + مصوت کوتاه + صامت + صامت مانند: «وَ قَرِعَ الصَّفَاةُ، وَ صَدَعَ الْقَنَاةُ، وَ حَظَلَ الْأَرَاءُ، وَ زَلَلَ الْأَهْوَاءُ»، «کوبیدن بر سنگ [و کار بی‌حاصل کردن] و شکافته شدن نیزه‌ها [و تسلیم در برابر دشمن] و فساد عقیده، و گمراهی افکار، و لغزش اراده‌ها».

تکرار انواع هجا

تکرار	انواع هجا
۴۹۱	۱. هجای کوتاه
۳۴۸	۲. هجای متوسط بسته
۲۰۰	۳. هجای متوسط باز
۱۶	۴. هجای بلند

شاید کلیدی‌ترین قسمت خطبه آن جا است که حضرت، دلیل ایراد بر علی بن ابی طالب علیه السلام و دشمنی او را بیان می‌کند که در آن هجای کوتاه (۳۴ مرتبه) در مقایسه با هجای متوسط (۳۰ مرتبه) از بسامدی بالا برخوردار است: «وَمَلَّ ذِي نَقَمٍ مِّنْ بَلِّحِ سَنَنْ قَمُومِنَ هُؤَلَا وَنَكِي رَسِي فِيهِ وَقَلَّ تَمُّ بِا لَاتِ هِي بِحَتِّ هِي وَشِدَّةِ وَطَاءِ تِ هِي وَنَكَالٍ وَقَعَتْ هِي وَتَنَمُّ زَهُوْفِي ذَاتِلِ لَاهِ». «هجای کوتاه به خاطر وضوح و آشکاری و ساده بودن ساختار آن و هم‌چنین به جهت شکل واحدی که دارد، در جلب توجه مخاطب مؤثر می‌باشد» (احمد صالح و همکاران، ۲۰۰۳: ۱۶). علاوه بر آن هجای کوتاه به‌گونه‌ای این مجال را می‌دهد تا اهداف خود را با سرعتی بیش‌تر بیان کند. حقانیت و سزاوار بودن حضرت برای خلافت نیز به قدری آشکار است که حضرت با تکرار این هجا سعی در بیدار کردن کسانی دارد که خود را به خواب زده‌اند. چنان‌که بیمار بودن وی، ایراد این خطبه در بستر بیماری و حالت روحی آشفته نیز از دیگر دلایل استفاده از هجای کوتاه برای سرعت بخشی در انتقال پیام می‌باشد.

اما حضرت در بند آخر با کاستن از سرعت بیان کلمات، فضایی تأمل برانگیز را برای مخاطب فراهم می‌کند: «أَمْ مَالِ عَمْرِىَ لَقَدْ لَقِحْتِ، فَ نَظَرْتُ رِثْنِ رِي ثَمَّ مَا تُنْتِجُ ثُمَّ مَحَّتْ لِي بُوْمِلِ عِلْقَعِ بِي دَمْنِ عَمْرِىَ بِي طَنْ وَدُعَا فَنَمُّ بِي دَنْ هُوَ نَالِي كَيْخِ سِرُّ مَبِطِ لُونِ وَيَعْرِفُ تَالِ لُونِ غَيْبِ مَأْسَسِ سَلِ عَوِ وَ لُونِ» در این قسمت با افزایش هجاهای متوسط (۳۴ مرتبه) و حتی وجود هجای بلند (۴ مرتبه) در برابر ۲۸ هجای کوتاه قرار داریم که در آن «گونه‌ای از طریق هجای متوسط (به نسبت هجای کوتاه) با سرعتی کم‌تر به بیان مطالب خویش می‌پردازد» (عبدالرحمن، ۲۰۰۶: ۲۹). در واقع حضرت زهرا علیها السلام با تأمل و درنگی بیش‌تر آینده و سرانجامی را به تصویر می‌کشد که مردم با کنار گذاشتن وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رقم زد.

۲-۱-۱-۵. تکرار حروف

«واج‌ها و اصوات هر زبانی مشخص و محدود است، حال آن‌که اندیشه‌ها و احساسات و تفکرات انسان نامحدود می‌باشد. افراد برای بیان احساسات رنگارنگ و اندیشه‌های متفاوت خود ناگزیر از این آواها کمک

می‌گیرند» (رضوانیان و محمودی نوسر، ۱۳۹۲: ۱۱۸). «تکرار واجها و مصوت‌ها بالقوه القاگر است و ارزش آن زمانی آشکار می‌شود که اندیشه به بیان آمده با چنین تکراری تناسب و ارتباط داشته باشد» (پویان، ۱۳۹۱: ۳۹). حروف مشخصی نیز در کلام حضرت پربسامد بوده‌اند. تکرار برخی حروف سایشی لثوی مانند (س) از آن جمله هستند که بر کوبندگی و شدت کلام دلالت دارد و قرار گرفتن آن در کنار دیگر حروف سایشی تفشی مانند (ش) که حرکت سریع و بی صدا را می‌رساند، سبب می‌شود اندرزهای اخلاقی موجود در اثر هر چه بیش‌تر بر مخاطب اثرگذار باشد. حرف سین به تنهایی حدود ۳۴ بار تکرار شده است؛ مانند: «لَسَاَزَ بِهِمْ سَيْرًا سَجْحًا، لَا يَكْلُمُ خُشَّاشَةً، وَ لَا يَكِلُ سَائِرَةً وَ لَا يَمِلُ رَاكِبُهُ». "آنها را با نرمی و ملایمت به سوی منزل مقصود سیر می‌داد سیری که هرگز آزار دهنده نبود، نه مرکب ناتوان می‌شد، و نه راكب خسته و ملول.»

حرف (ق) با ۲۴ مرتبه تکرار در کلام، تامل برانگیز است که «نوعی برتری جویی، آشفتگی و اضطراب را می‌رساند» (بلوخی، ۲۰۰۴: ۱۰۹). چه بسا بسامد بالای این حرف در کلام حضرت نشان دهنده کوتاهی در حقی است که در وهله اول از حضرت علی عليه السلام در جریان خلافت و در مرتبه بعد در ماجرای باغ فدک از خود حضرت غصب شده است تا مخاطب احساساتی را درک کند که تکرار این حرف در خطبه منتشر می‌سازد. اما در این میان تکرار حرف (و) پرتکرارتر از دیگر حروف است (۴۸ مرتبه). «تلفظ واو به خاطر بیرون راندن هوا از دهان، معنای حرکت به جلو و ادامه دادن سخن است» (همان، ۹۵). کاربرد این حرف به هنگام سرزنش مخاطب و یادآوری کوتاهی او در گذشته چون پتکی پیوسته بر سر او کوبیده می‌شود و او را به جبران قصور خویش برمی‌انگیزد. «وَيُحِثُّهُمْ أَنِّي زَعَزَعُوهَا عَنْ رِوَابِي الرِّسَالَةِ وَ قَوَاعِدِ التُّبُوءَةِ وَ الدَّلَالَةِ، وَ مَهْبِطِ الرُّوحِ الْأَمِينِ وَ الْمُطَّلَعِينَ بِأُمُورِ الدُّنْيَا وَ الدِّينِ (لَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ)»، «وای بر آنها چگونه خلافت را از کوه‌های محکم رسالت، و شالوده‌های متین نبوت و رهبری، و جایگاه نزول وحی و جبرئیل امین، و آگاهان در امر دنیا و دین کنار زدند؟ «آگاه باشید زبان آشکار همین است!».

۳-۱-۱-۵. تکرار کلمات

«این نوع از ساده‌ترین نوع تکرار و رایج‌ترین‌شان میان اشکال مختلف آن است» (عاشور، ۲۰۰۴: ۶۰). پورنامداریان در نقد شعر احمد شاملو، تکرار را «نشان‌دهنده تکیه و تأکید و یا توجه و علاقه شاعر بر موضوع و معنای مکرر» می‌داند (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۳۷۸). هم او در جایی دیگر می‌افزاید: «تکرار گاهی نیز برای رفع شک و تردید و حیرت خواننده است به علت طرح معنایی که غیرعادی می‌نماید» (همان، ۱۳۸۱: ۳۸۰). چنان که در خطبه مشاهده می‌شود، حضرت زهرا عليها السلام کلماتی کلیدی را تکرار می‌کند؛ زیرا تأکید بر مفهوم فراموش شده آن‌ها، هدف نهایی ایشان بوده است.

به عنوان نمونه، با آوردن آیه‌ای از قرآن که فعل «هدی» در آن تکرار شده است، سعی در آگاه‌سازی مخاطب و هدایت او دارد: «أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ. أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ

لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ»، «به هوش باشید که آنان فسادگراند، لیکن نمی فهمند. آیا کسی که به سوی حق رهبری می کند سزاوارتر است مورد پیروی قرار گیرد یا کسی که راه نمی نماید مگر آنکه [خود] هدایت شود؟ شما را چه شده، چگونه داوری می کنید؟» همان طور که ملاحظه می شود تکرار مشتقات کلمه «هدی» در این فراز خطبه، نشان از دغدغه هدایت مردم از سوی حضرت دارد.

یا در نمونه ای دیگر با تکرار واژه «عجب» واکنش احتمالی مخاطب به سخنان خود را مطرح می سازد و چنین واکنشی را پس از روشن بودن تمام جوانب قضیه نکوهش می نماید: «أَلَا هَلُمَّ فَاسْتَمِعْ وَمَا عَشَتْ أَرَاكَ الدَّهْرُ عَجَبًا، وَإِنْ تَعَجَّبَ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ»، «اکنون بیا و بشنو (از دلیل های واهی آنان) هر قدر عمر کنی، دنیا شگفتی تازه ای به تو نشان می دهد!» این تکرارها بیش تر از این که موسیقی ای بسازد که متن را زیبا کند، در پی آن است که مسئله ای را به مخاطب یادآور شود.

۲-۱-۵. آوای ناشی از سجع

افزون بر تکرار، سجع نیز در ایجاد موسیقی درونی در گفتمان حضرت سهیم بوده است. «اصل در سجع، تعادل و انسجام در مقاطع سخن است؛ لذا تعادل در هر چیزی پسندیده است و به طور طبیعی نفس از آن احساس لذت می کند» (ابن اثیر: ۱۳۶۳: ۱/۲۱۲). انواع سجع در متن را این گونه می توان برشمرد:

۱-۲-۵. سجع مطرف

سجع مطرف آن است که کلمات آخر قرینه ها در حرف اخیر (روی) مطابق باشند، اما بر یک وزن نباشد (هاشمی، ۱۳۶۸: ۴۲۲). این نوع سجع بیش از ده بار در کلام حضرت به کار رفته است؛ مانند: «وَيَعْرِفُ النَّالُونَ غَبَّ مَا أَسَسَ الْأَوْلُونَ»، «آیندگان پیامد آن چه را پیشینیان بنیاد نهادند در خواهند یافت».

۲-۲-۵. سجع متوازی

سجع متوازی آن است که واژگان پایانی هر قرینه با همتای خود در وزن و حرف قافیه (روی) یکسان باشند (همان)؛ این نوع از سجع بسامد بالایی داشته و ۲۲ مرتبه در خطبه یافت شده است؛ مانند: «يَدْعُ فَيْئَكُمْ زَهِيدًا وَ زَرْعَكُمْ حَصِيدًا»، «حکومتی که ثروت های شما را بر باد می دهد و جمعیت شما را درو می کند».

۳-۲-۱-۵. سجع متوازن

برابری دو فاصله در وزن و ناسازگاری در قافیه‌پردازی را سجع متوازن گویند (همان). این نوع از سجع ۱۰ بار در خطبه به کار رفته است؛ مانند:

«لَبَانَ لَهُمُ الزَّاهِدُ مِنَ الرَّاعِبِ، وَ الصَّادِقُ مِنَ الكَاذِبِ»، «در این جا، دنیا پرست از زاهد و راستگو از دروغگو برای همه آنان روشن می‌شد».

۴-۲-۱-۵. سجع مرصع

سجع مرصع آن است که در همه واژه‌ها یا اکثر آن‌ها در قرینه‌ها، دارای وزن و حرف قافیه مشترک باشد (همان). این سجع تنها در دو مقطع دیده می‌شود:

«إِلَى أَيِّ سِنَادٍ اسْتَدُّوا؟ وَ عَلَى أَيِّ عِمَادٍ اعْتَمَدُوا»، «به کدام سند استناد جستند؟ و بر کدام پشتوانه‌ای اعتماد کردند؟»

«لَقَطُّهُمْ بَعْدَ أَنْ عَجَمْتُهُمْ وَ سَنَّا لَهُمْ بَعْدَ أَنْ سَبَرْتُهُمْ»، «آن‌ها را آزمودم و دور افکندم، و امتحان کردم و مبعوض داشتم».

«پیوستن سجع با جریان طبیعی کلام، ضمن حفظ و تحکیم وحدت و انسجام آهنگ آن، گاه منجر به عدم همخوانی فواصل در مقاطع خاصی از سخن می‌شود؛ چنان که مفهوم مورد نظر سخن‌پرداز در موقعیت خاص قرار داده می‌شود، بدون این‌که به پیکر کلام آسیبی برسد و خواننده توجه خاص و تأکید او را در می‌یابد» (به‌رقم: ۱۳۹۳: ۸). چنان که پیدا است، استفاده حضرت از انواع سجع، موسیقی‌ای در خطبه ایجاد کرده است که علاوه بر گوش نواز بودن، مخاطب را به تأمل وا می‌دارد.

۳-۱-۵. آوای ناشی از جناس

در تعریف این صنعت آمده است: «هرگاه واج‌های واژگان چنان به هم نزدیک باشند که هم‌جنس به نظر برسند، آن را جناس می‌گوییم. اساس جناس همگونی و هماهنگی هر چه بیش‌تر واج‌ها و ناهمگونی معنای واژه‌ها است» (کزازی: ۱۳۷۳، ۴۸). در کلام حضرت، انواع جناس نیز همپای تکرار و سجع وفور وجود دارد:

۱-۳-۱-۵. جناس تصحیف

جناس تصحیف آن است که دو لفظ در کتابت شکل متفق باشند و در نقطه‌ها مختلف (هاشمی، ۱۳۶۸: ۴۱۸). دو نمونه از آن در خطبه وجود دارد:

«فَقُبِحًا لِفُلُولِ الْحَدِّ وَاللَّغَبِ بَعْدَ الْجِدِّ»، «چه زشت است به کندی گراییدن تیزی شمشیر و بازی کردن بعد از جد».

«فَرَعَمًا لِمَاعَاطِسِ قَوْمٍ يَحْسُبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا»، «بینی گروهی که کار بد می‌کنند و گمان دارند کار خوب انجام می‌دهند، بر خاک مذلت مالیده شود».

۲-۳-۱-۵. جناس اشتقاق

استعمال دو یا چند لفظ در یک کلام را که از ریشه‌ای واحد مشتق شده باشند، جناس اشتقاق گویند (همان، ۴۱۵)؛ مانند:

«إِلَىٰ أَيِّ سِنَادٍ اسْتَدُّوْا؟ وَ عَلَىٰ أَيِّ عِمَادٍ اعْتَمَدُوْا؟»، «به کدام سند استناد جستند؟ و بر کدام پشتوانه‌ای اعتماد کردند؟»

جناس اشتقاق با ۱۸ مورد، پربسامدترین نوع جناس در کلام حضرت می‌باشد.

۳-۳-۱-۵. جناس مطرف

این جناس از گونه‌های جناس ناقص است و در آن، حرف زاید در آغاز واژه اول یا در آغاز واژه دوم قرار می‌گیرند (همان، ۴۱۵). سه مورد از این گونه جناس در خطبه به چشم می‌خورد:

«لَيْسَ مَا قَدَّمْتُ لَهُمْ أَنْفُسَهُمْ أَنْ سَخَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ لَهُمْ خَالِدُونَ»، «چه بد اعمالی از پیش برای (معاد) آن‌ها فرستاد، نتیجه آن، خشم خدا بود و در عذاب (الهی) جاودانه خواهد ماند».

«وَ تَاللَّهِ لَوْ مَالُوا عَنِ الْمَحْجَةِ الْأَيْحَةِ، وَ زَالُوا عَنْ قَبُولِ الْحُجَّةِ الْوَاضِحَةِ»، «[آری] بخدا سوگند [اگر امر خلافت با او بود] هر گاه مردم از جاده حق منحرف می شدند و از پذیرش دلیل روشن سرباز می زدند».

«أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ»، «آیا کسی که هدایت به سوی حق می کند برای پیروی شایسته تر است یا ...»

۴-۳-۱-۵. جناس ناقص میانه

در این نوع جناس، حرف زائد در وسط واژه یکی از متجانسان باشد، یا در وسط متجانس اولی یا در وسط دومی قرار می‌گیرد (همان). یک مورد از آن مشاهده شده است:

«لَسَارَ بِهِمْ سَيْرًا سُجْحًا، لَا يَكْلُمُ خُشَّاشُهُ، وَ لَا يَكِلُ سَائِرُهُ»، «آن‌ها را با نرمی و ملایمت به سوی منزل مقصود سیر می داد سیری که هرگز آزار دهنده نبود، نه مرکب ناتوان می شد، و نه راکب خسته و ملول».

۵-۳-۱-۵. جناس مضارع

آن است که دو لفظ متجانس در تعداد، ترتیب و هیئت حروف متفق و در نوع حروف مختلف باشند و دو حرف دارای مخرج واحد یعنی متقارب المخرج باشند (همان، ۴۱۷). دو نمونه از آن در خطبه به چشم می‌خورد:

«وَ لَا يَحْطَىٰ مِنْهَا بِنَائِلٍ، غَيْرَ رَىِّ التَّاهِلِ»، «[آری] او هرگز از دنیا بهره نمی گرفت، و از آن سودی جز سیراب کردن تشنه کامان...»

«أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ / ثُمَّ اخْتَلَبُوا مِلَأَ الْقَعْبِ دَمًا عَيْبِيًّا، وَ دُعَاةً مُبِيدًا»، «آگاه باشید زیان آشکار همین است! / سپس به جای کاسه شیر، کاسه های پر از خون تازه و سم کشنده را بدوشید».

۶-۳-۱-۵. جناس لاحق

آن است که دو لفظ متجانس در تعداد، ترتیب و هیئت حروف متفق و در نوع حروف مختلف باشند و دو حرف دارای مخرج واحد یعنی متقارب المخرج باشند (همان). از این نوع جناس نیز پنج مورد به چشم می خورد؛ مانند نمونه زیر:

«وَلَمْ يَكُنْ يَتَخَلَّى مِنَ الذُّنْيَا بَطَائِلَ، وَلَا يَحْطَى مِنْهَا بِنَائِلَ»، «[آری] او هرگز از دنیا بهره نمی گرفت، و از آن سودی جز»

۷-۳-۱-۵. جناس تحریف

آن است که دو واژه در حروف و اعداد و ترتیب آن ها متفق باشند و در اعراب مختلف باشند (همان، ۴۱۸). تنها یک نمونه در خطبه موجود است:

«فَجَدَعًا وَ عَقْرًا وَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ / فَجُبْحًا لِقُلُوبِ الْخَدِّ، وَ اللَّعِبِ بَعْدَ الْجِدِّ»، «ننگ بر قوم ستمگر و [دست و پایشان] بریده باد و [از رحمت خدا] دور باشند / چقدر زشت است شکسته شدن شمشیرها [و سکوت در برابر غاصبان] و بازی کردن بعد از جد [و به شوخی گرفتن سرنوشت اسلام و مسلمین]»
 «در واقع جناس از یک سو در کلام موسیقی ایجاد می کند و از سوی دیگر سبب تداعی معانی مختلف یک لفظ واحد می شود، در نتیجه به گسترش تخیل و ایجاد کشش و جلب توجه شنونده می انجامد و این از عوامل پدیداری زیبایی و هنر است» (تجلیل: ۱۳۶۷، ۲-۳).

۲-۵. سطح نحوی

بررسی سطح نحوی گفتمان خطبه حضرت زهرا علیها السلام نشان می دهد که در بخش هایی از گفتمان ایشان از نوعی استراتژی سرزنشی و بیدارگری استفاده شده است که در خصوص فرجام بد پیمان شکنی به مخاطب هشدار می دهد. این ابزار متناسب با بافت موقعیتی خطبه (تظلم و هشدار بر فرجام پیمان شکنی) به کار گرفته شده است. در این بخش به بررسی عناصر نحوی تأکید و گونه هایش، جملات کوتاه، استفهام و انواع آن پرداخته می شود. حضرت که در واپسین لحظات عمرش نگران امت اسلامی بود، خشم و غضب خود از منحرف شدن امت از مسیر اصلی، پایمال کردن حق سرپرستی حضرت علی علیه السلام و بیان فرجام پیمان شکنی ها را با تأکیدات فراوان بیان نموده است.

۵-۱-۲. تأکید

تأکید خبر، ابزارهایی فراوان دارد که مشهورترین آن‌ها عبارت از این موارد هستند: اِنَّ، اَنْ، لام ابتدا، حروف تنبیه (أما، ألا)، قسم، دو نون تأکید، حروف زائد در ریشه فعل مانند باب‌های تَفَعَّل و اسْتَفَعَلَ، تکرار، قد، أما شرطیه، جمله اسمیه، ضمیر فصل، و تقدیم فاعل معنوی (هاشمی، ۱۳۶۸: ۶۲). هر کدام از ابزارهای تأکید ویژگی خاص خود را دارد:

أما: افاده تأکید می‌کند. حرف تنبیه است و بر تحقق ما بعد خود دلالت دارد و جمله پس از آن حتماً با قسم آغاز می‌شود. حضرت برای بیان مؤکد فرجام شوم انتخاب نادرست جامعه از تعبیر «أما» در کنار قسم و «لام، قد و فعل ماضی» استفاده کرده است: «أَمَّا لَعْمُرِي لَقَدْ لَقَحَتْ...»، «به جان خودم سوگند، ناقه خلافت باردار شده است...». و به جای «تلقح»، فعل «لقحت» را به کار برده است؛ گویا وقوع حتمی آینده نابسامان مردم پیمان شکن و آبتن شدن ناقه خلافت به فرزندی ناصالح را به چشم می‌بیند.

وَاللَّهِ: از جمله ابزارهای تأکید، قسم می‌باشد. قسم تأکیدی است برای کلام و پوشیده نیست که قسم از قوی‌ترین ابزارهای تأکید، بلکه قوی‌ترین آن‌ها به شمار می‌رود. حضرت یقین دارند که اگر زمام حکومت بعد از پیامبر ﷺ به حضرت علی (ع) داده می‌شد، به خوبی از عهده این امر برمی‌آمد و مردم را به سرچشمه حیات می‌رساند. «وَاللَّهِ لَوْ تَكَافَأُوا عَنْ زِمَامِ نَبْدِهِ رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْهِ لَأَعْتَقَلَهُ...»، «به خدا سوگند اگر زمام و افسار [خلافت] که رسول خدا ﷺ به دست او داده بود رها می‌کردند، او به خوبی این زمام را به دست می‌گرفت».

لَا جَزْمَ: «به اعتقاد سبویه (لا) صله و زائده است و (جَزْم) به معنای لَابُدَّ و لا مَحَالَة و به معنای حقیقتاً و حتماً نیز می‌باشد» (سامرانی، ۲۰۰۰: ۱/۳۸۲). قدر مسلم آن است که «لَا جَزْم» نیز از ادات تأکید می‌باشد و حضرت در فراز اول خطبه که عاقبت و کیفر پیمان شکنی و ترجیح مرجوح بر راجح را گوشزد می‌نماید، با آوردن این اسم بیان می‌کند: «لَا جَزْمَ لَقَدْ قَلَدْتُهُمْ رَبَقْتَهَا...»، «بدون تردید بار گران آن بر گردنشان قرار گرفته است».

۵-۲-۲. جملات کوتاه

کاربرد فراوان جملات کوتاه نیز به ویژه در قسمت پایانی خطبه از دیگر نکات قابل توجه در گفتمان حضرت زهرا (س) می‌باشد. «فراوانی جملات کوتاه و منقطع در سخن باعث شتاب سبک و هیجان مخاطب می‌شود... این گونه سبک‌های منقطع و پرشتاب، عاطفی‌تر نیز هستند» (فتوحی رود معجنی، ۱۳۹۱: ۲۷۴).

«أَمَّا لَعْمُرِي لَقَدْ لَقَحَتْ فَتَطِرَةٌ رِيثٌ مَا تُنْتِجُ ثُمَّ اخْتَلَبُوا مِلَأَ الْقَعْبِ دِمَاءَ عَيْبِطاً وَ دُعَافاً مُبِيداً هُنَالِكَ يَخْسَرُ الْمُبْطِلُونَ وَ يَعْرِفُ التَّالُونَ غَيْبَ مَا أَسَسَ الْأَوَّلُونَ ثُمَّ طَيَّبُوا عَنْ دُنْيَاكُمْ أَنْفُساً وَ اطْمَأَنَّنُوا لِلْفِتْنَةِ جَاشَأً وَ أَبْشَرُوا بِسَيْفِ صَارِمٍ وَ سَطْوَةِ مُعْتَدِّ غَاشِمٍ وَ بَهْرَجِ شَامِلٍ وَ اشْتَبَدُوا مِنَ الظَّالِمِينَ يَدْعُ فَيْئَكُمْ زَهِيداً وَ جَمْعَكُمْ حَصِيداً فَيَا حَسْرَةً لَكُمْ وَ آتَى بِكُمْ وَ قَدْ عَمِيَتْ عَلَيْكُمْ أَنْزَلِمُكُمُوهَا وَ أَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ»، «بدانید، به جان خودم سوگند، ناقه

خلافت بردار شده است. دیری نمی‌پاید که نوزاد خود را به دنیا می‌آورد. سپس به جای کاسه شیر، کاسه‌های پر از خون تازه و سم کشنده را بدوشید (ولا جرعه سر کشید!). و آن زمان است که طرفداران باطل گرفتار خسران می‌شوند. آری، سرانجام، دنباله روان (چشم و گوش بسته و بی‌خبر) عاقبت کاری را که پیشوایانشان پایه‌گذاری کردند، خواهند فهمید (و با تمام وجودشان، آثار شوم آن را لمس می‌کنند). (بروید) از این پس، به دنیای خود «دل خوش» کنید و از آن راضی و خوشحال باشید. ولی برای امتحان و فتنه پراضطرابی که در انتظار شماست، خود را آماده کنید. شادمان باشید به شمشیرهای برنده! و سلطه تجاوزگرانی ستمگر و خونخوار و هرج و مرجی فراگیر و حکومتی مستبد از ناحیه ظالمان؛ حکومتی که ثروت‌های شما را بر باد می‌دهد و جمعیت شما را درو می‌کند! و اسفا بر شما! چگونه امید نجات دارید در حالی که حقیقت بر شما مخفی مانده و از واقعیت‌ها بی‌خبرید؟! آیا ما می‌توانیم شما را به پذیرش این دلیل روشن مجبور کنیم با این که شما کراهت دارید؟»

گویی حضرت دیگر تاب حضور پیمان شکنان را در محضر خود ندارد و از آنان ناامید شده است؛ لذا با آوردن جملات کوتاه و متوالی دیگر اتمام حجت می‌کند و فرجام تلخی را به ایشان گوشزد می‌نماید که در انتظارشان است.

۳-۲-۵. استفهام

حضرت در سراسر این خطبه، چهار جمله پرسشی به کار برده‌اند. استفهام گاهی ممکن است نه برای کسب دانش و آگاهی و رفع نادانی که برای اغراضی دیگر به کار گرفته شود که به آن اغراض ثانوی گفته می‌شود. حضرت زهرا علیها السلام با تعجب از انتقال دادن امر خلافت و جانشینی پیامبر از کسی که شایسته آن بود به کسانی که چنین شایستگی را نداشتند و نیز برای ابراز ناامیدی از مخاطبی که در جهل خود فرو رفته و پیمان شکنی نموده است، چهار جمله پرسشی بیان نمود. مثلاً جمله «أَتَى زَخْرُوهَا عَنْ رِوَاسِي الرَّسَالَةِ؟»، «خلافت را از کوه‌های محکم رسالت به کجا کشاندند؟» و جمله «إِلَى أَيِّ سِنَادٍ اسْتَدُّوا وَ بِأَيِّ عُرْوَةٍ تَمَسَّكُوا؟»، «آنان به کدام سند استناد جستند؟ و به کدام ریسمان و دست‌آویز چنگ زدند» حضرت زهرا علیها السلام اظهار تعجب می‌نماید که خلافت را از چنین جایگاه استواری به کجا بردند؟ استفهام موجود هم‌چنین می‌تواند گواهی بر اندوه و حسرت ایشان بیانگر این نکته باشد که ای دریغ! چنین جایگاهی از دست رفت و به دستان ناکسان رسید.

حضرت در ادامه سخنان خود با ذکر آیه‌ای از آیات قرآن به صورت استفهام انکاری، سؤالی مطرح می‌کند که پاسخ آن واضح و روشن است. آیا کسی که به حق هدایت می‌نماید، شایسته پیروی است یا کسی که نیاز به هدایت دارد «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» (۳۵/یونس)، «آیا کسی که به سوی حق هدایت می‌کند، برای پیروی شدن شایسته‌تر است یا کسی که هدایت نمی‌یابد مگر آن که هدایتش کنند؟ شما را چه شده؟ چگونه [بدون بصیرت و دانش] داوری می‌کنید؟»

«از سوی دیگر استفهام انکاری به مخاطب می‌فهماند که ادعای مطرح شده غیر ممکن است» (زرکشی، ۱۸۹۴: ۲/۳۳۰). حضرت با این سؤال به ذهن به خواب رفته مخاطبان تلنگری می‌زند تا خطای فاحش خود را یادآور شود. آخرین پرسش این خطبه با ابراز ناامیدی حضرت از هدایت یافتن مخاطب ایراد می‌شود که به سبب کور شدن چشم دلشان است: «فَيَا حَسْرَتِي عَلَيكُمْ، وَ اَنْتِي بِكُمْ، وَ قَدْ عَمِيَتْ قُلُوبُكُمْ...» «وا أسفا بر شما! چگونه امید نجات دارید، در حالی که چشم دلتان کور گشته است؟»

۴-۲-۵. ارکان جمله

«از نظر عالمان علم نحو، حذف فعل مصدر اگر مصدر نایب آن فعل باشد وجوبی است که این امر در فعل امر، نهی و دعا قیاسی است» (سامرائی، ۲۰۰۰: ۱۶۵). «در واقع حذف فعل و آوردن مصدر تنها برای تأکید آن فعل است؛ لذا این حذف معنای عبارت را تقویت می‌نماید» (همان، ۱۶۶). حضرت در ابتدای خطبه از سستی اراده و عدم جهاد در راه حق و تنها گذاشتن حضرت علی علیه السلام و پیمان شکنی‌ها شکوه می‌کند و بیزاری خود را از شمشیرهای کند در راه جهاد و نیزه‌های شکسته از پرتاب شدن به دل تاریکی‌ها و اندیشه‌های خطا اعلام می‌نماید. از آن‌جا که آمدن مصدر علاوه بر تأکید بر معنای عبارات، ثبوت و عدم تخصیص آن معنا به زمانی خاص را هم بیان می‌کند، گویی در آخرین ایام عمر شریف خویش، موضع خود را در مورد مظلومیت حق برای همیشه بیان می‌فرماید: «فَقُبْحاً لِقُلُولِ الْحَدِّ وَ خَوْرِ الْقَنَاةِ وَ خَطْلِ الرَّأْيِ» حضرت زهرا علیها السلام که در این خطبه، خشم و آتش درون خویش را در کلمات جاری نموده، نگران امر هدایت و آینده بشریت بوده است و چنان از غصب حق الهی مولای خود، علی علیه السلام، خشمگین بود که در آخرین لحظات عمر شریف خود در این خطبه نفرین‌هایی ایراد نموده است که تا پایان تاریخ دامن گیر غاصبان و منحرفان باشد؛ لذا با آوردن این سبک از کلام، حذف فعل و باقی گذاشتن مصدر هم بر این عذاب الهی تأکید می‌نماید و هم آن را سرنوشتی ابدی برای پیمان شکنان می‌داند: «فَجَدْعاً وَ عَقْرًا وَ سَحْقًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ...»، «پس نابودی و هلاک و نفرین بر گروه ستمکاران باد.» در تمام متن خطبه، این نوع مصادر، پنج مورد ذکر شده است به گونه‌ای که حضرت بعد از بیان کوتاهی‌ها، غفلت، ظلم و غصب حق ولایت بلافاصله با ذکر این مصادر موضع خود را اعلام می‌کند.

۴-۵. سطح دلالی

این سطح به دلالت و معنای ادبی واژگان که در قالب شیوه‌های بلاغی هم‌چون تشبیه، استعاره و کنایه نمود می‌یابند، مرتبط است. به نظر می‌رسد تصاویر بلاغی (تشبیه، استعاره، کنایه) در بخش‌های خاصی از گفتمان مذکور نه با هدف صنعت‌پردازی، بلکه با هدف اثرگذاری بر احساس و اندیشه مخاطب غافل‌گزینش شده‌اند.

۱-۳-۵. تشبیه

در گفتمان حضرت، چندین تشبیه و تشبیه بلیغ وجود دارد. حضرت با تشبیه معانی عقلی به حسی سعی در تثبیت معنا در ذهن مخاطب دارد. به کارگیری تشبیه در این گفتمان برای برانگیختن احساسات مختلفی از قبیل شوق و رغبت، حسرت و ندامت، شرمساری در مخاطب است؛ زیرا کلمات موجود در دو طرف تشبیه چه مشبه و چه مشبه به همگی از بافت موقعیتی زندگی اعراب گرفته شده و برای آنان آشنا است و به این ترتیب حضرت با دایره واژگان زندگی مخاطب با او سخن می‌گوید و از راه تشبیه مطالب مورد نظرشان را چه در بیان حقانیت حضرت علی علیه السلام در بحث وصایت و چه در بیان غفلت مخاطبان بیان می‌فرماید. تشبیهات به کار رفته در این خطبه، هفت مورد می‌باشد که به جهت اختصار از ذکر همه آن‌ها خودداری می‌شود.

ردیف	انواع تشبیهات	نوع احساس برانگیخته شده
۱	«قبحا لفلول الحد و خور القنائة»	برانگیختن حس غیرت و بیداری
۲	«لسار بهم سیراً سجحاً»	حس پیشمانی
۳	«لأوردهم منهلاً نمیراً فضفاضاً تطفح ضفتاه»	حس پیشمانی

حضرت در جمله نخست، مخاطبان خود، یعنی مهاجران را به شمشیرهایی شکسته و نیزه‌هایی کند و سست تشبیه نموده است که بعد از آن سابقه درخشان جهاد در رکاب پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم پیمان شکنی کرده و از حق دفاع نموده اند. ایشان به نقطه حساس و مهم زندگی عرب؛ یعنی جنگ آوری و شجاعت اشاره نموده است تا از این طریق حس غیرت و بیداری را در مخاطب برانگیزد. در جمله‌های دوم و سوم حضرت زهرا علیها السلام اشاره می‌کنند که اگر زمام اختیارشان در کف با کفایت علی علیه السلام بود، آن‌ها را بر مرکب راهوار حق می‌نشانند و با نرمی و ملایمت و محبت و مدارا به سوی سرچشمه آب حیات رهنمون می‌گشت سپس آنان را از آن چشمه جوشان و زلال و گوارا سیراب می‌نمود و حیات جاویدان می‌بخشید (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۵۹)

۲-۳-۵. استعاره

از میان تصاویر ادبی، تصاویر برآمده از استعاره، بلیغ‌تر از تشبیه می‌باشند؛ زیرا ما در تشبیه با شباهت دو طرف آن؛ یعنی مشبه و مشبه به مواجه هستیم در حالی که در استعاره ادعای تناسی تشبیه و یکسان بودن و عینیت دو طرف می‌نماییم. دقت در الفاظ مستعار در گفتمان حضرت به خوبی خود را نشان می‌دهد که به جای استفاده از الفاظ صریح از محور جانشینی زبان، الفاظی را به کار گرفته‌اند که با به تصویر کشیدن و ملموس ساختن معنای مورد نظر به بهترین شکل ممکن، معنا را در جان مخاطب جاری می‌کند؛ به ویژه که این معانی با دنیای پیرامون آن‌ها مرتبط می‌باشد. از نمونه‌های استعاره در گفتمان حضرت می‌توان به مورد زیر اشاره نمود:

در عبارت «إِشْتَبَدُوا الدُّنْيَا بِالْقَوَادِمِ وَ الْعُجْزِ بِالْكَاهِلِ...»، «آنان» پیشگامان را رها کردند و به سراغ «دنباله ها» رفتند. شانه را با دم معاوضه کردند! برای بیان این مطلب که آنان با نادیده گرفتن حق حضرت علی (س) در خلافت، مرجوح را بر راجح ترجیح دادند، تصویر جالبی را می‌آفریند. این عبارت به وضوح هر چه تمام تر خسران این انتخاب را به مخاطب گوشزد می‌کند. حضرت برای معنای راجح و برتر کلمه «قوادم» و «کاهل» و برای معنی مرجوح کلمه «دُنْیَا» و «عجز» را به استعاره آورده‌اند. نیز در عبارت «أَمَّا لَعْمُرَى لَقَدْ لَقَحْتُ» حضرت با استفاده از استعاره تصریحیه تبعیه در واژه «لقحت» خلافت را به شتری تشبیه کرده که آبستن شده و به زودی به طفل خود را به دنیا خواهد آورد. استفاده از چنین الفاظی و کار بستن آن به جای الفاظ صریح برای مخاطب عرب زبانی که زندگی او پیوسته با شتر همراه است، افزون بر ملموس سازی معنا و به تصویر کشیدن آن، در انتقال هر چه بهتر مفهوم مؤثر است.

۳-۳-۵. صنایع بدیعی

«در بدیع معنوی، سخن از آرایه‌هایی است که موجب تخیل و در نتیجه آفرینش شعر می‌شوند و برخلاف آرایه‌های بدیع لفظی در ایجاد نظم و توازن موسیقی نقشی مهم بر عهده ندارند. آرایه‌هایی، مانند التفات، ایهام، تناسب، تضاد و جز آن‌ها در این گروه قرار می‌گیرند» (طحان، ۱۳۹۳: ۱۵). سیروس شمیسا در کتاب خود، نگاهی تازه به بدیع در این خصوص آورده است: «بدیع معنوی بحث در شگردهایی است که موسیقی معنوی کلام را افزون می‌کند» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۶-۲۷). حضرت علاوه بر موارد ذکر شده از شگردهای این صنایع نیز به زیبایی استفاده کرده‌اند که از آن میان می‌توان به اسلوب حکیم و تضاد اشاره کرد.

۱-۳-۳-۵. اسلوب حکیم

این صنعت معنوی بدیعی «برخورد با مخاطب است به گونه‌ای غیر از آن‌چه انتظار می‌کشید: ۱- یا به رها کردن پرسش او و پاسخ دادن از سؤالی که نپرسیده است. ۲- یا به حمل کردن سخن گوینده بر غیر آن‌چه او قصد می‌کند و می‌خواهد و کاربرد این شیوه هشدار دادن به مخاطب است.» (هاشمی، ۱۳۶۸: ۳۰۶) در ابتدای خطبه حضرت پس از پرسش زنان مهاجرین و انصار که برای عیادت آمده‌اند، دربارهٔ احوالات جسمی حضرت مطرح می‌کنند، از آلام روحی خود سخن می‌گوید: «يَا بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ كَيْفَ أَصْبَحْتُ عَنْ عِلَّتِكَ؟ فَقَالَتْ ﷺ: أَصْبَحْتُ وَاللَّهِ عَائِقَةً لِدُنْيَاكُنَّ، قَالِيَةً لِرِجَالِكُمْ»، «چگونه صبح کردی با بیماری‌ات ای دختر رسول خدا؟ به خدا، در حالی صبح کردم که از دنیای شما متنفرم، مردان شما را دشمن می‌شمرم.» حضرت نه از اوضاع و احوال جسمی خود، بلکه از اموری مهم‌تر و واجب‌تر سخن می‌گوید. زیرا آن مصایب روحی موجب چنین دردی در وجود مبارک ایشان شده و عافیت را از ایشان سلب نموده؛ لذا از علت اصلی سخن به میان آورده است (قزوینی،

۱۴۱۴ق: ۴۴۱-۴۴۲). در واقع اسلوب حکیم به عنوان یک صنعت بدیعی نه برای صنعت پردازی، بلکه کاملاً در خدمت گفتمان دفاع از ولایت قرار گرفته است.

۲-۳-۳-۵. تضاد

ارتباط میان دو کلمه متضاد از واضح ترین چیزها جهت تداعی معانی در ذهن مخاطب است (چراغی‌وش و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۶). «إِسْتَبْدَلُوا الذُّنَابِي بِالْقَوَادِمِ وَ الْعَجْزِ بِالْكَاهِلِ» مخاطب این گفتمان مردمانی هستند که به محسوسات و مادیات عادت نموده‌اند گویی تا چیزی را به چشم سر نبینند، آن معنا برایشان تداعی نمی‌گردد؛ لذا از نزدیک ترین مفاهیم موجود در زندگی مخاطب بهره جسته و با استفاده از دوگانگی موجود در تضاد، معنا را به بهترین شکل القا نموده است. در کل خطبه چهار مورد تضاد به کار رفته است.

نتیجه گیری

- نویسندگان این مقاله با رویکرد به نظریه تحلیل گفتمان، بافت موقعیتی و بافت متنی را در خطبه حضرت زهرا علیها السلام در دیدار با زنان مدینه بررسی کرده و به این نتایج رسیده اند:
- ۱- بافت متنی خطبه که شامل سه سطح آوایی، نحوی و دلالتی می باشد با بافت موقعیتی و شرایط اجتماعی، فرهنگی و تاریخی ایراد خطبه هماهنگ است و این نشان از شناخت کامل حضرت زهرا علیها السلام از این شرایط و عناصر می باشد که چنین گفتمانی را ارایه کرده اند؛
 - ۲- آوردن تشبیه ها و استعاره های مأخوذ از عناصر رایج در زندگی روزمره مردمان آن دوره تاریخی، موجب ملموس تر شدن مفاهیم مورد نظر ایشان نزد آنان و پی بردن به خسارت غفلت از مقام ولایت شده است؛
 - ۳- استفاده از صنایع بدیعی با آهنگین نمودن کلام صرفاً جهت صنعت پردازی به کار بسته نشده، بلکه برای اثرگذاری هر چه بیش تر بر مخاطب عرب که با این سازو کار زبانی آشنایی دارد، کاملاً در راستای هدف گفتمان بوده است؛
 - ۴- بافت موقعیتی روزگار حضرت زهرا علیها السلام از جمله شرایط اجتماعی، سیاسی، تعصب قبیله ای، اطاعت بی چون و چرا از رؤسای قبایل موجب قرار گرفتن مردمان این دوره در بافت فکری متضاد اسلام و انحراف مسیر هدایت از جاده اصلی آن، یعنی ولایت گشت. همه این عوامل موجب شد که حضرت گفتمان این خطبه را با نوعی خاص از بافت متنی ایراد کنند تا مخاطب به هدف اصلی این گفتمان نایل گردد.

منابع و مآخذ

۱. ابن اثیر، ضیاء الدین (۱۳۶۳ق)، المثل السائر فی أدب الکاتب و الشاعر، تعلیق احمد الحوفی و بدوی، قاهرة: دار نهضة مصر.
۲. بلوخی، محمود (۲۰۰۴)، آلیات الخطاب النقدي العربي الحديث فی مقاربة الشعر الجاهلی بحث فی تجلیات القراءات السیاقیة، دمشق: اتحاد الکتاب العرب.
۳. به رقم، نعمت الله (۱۳۹۳)، «ویژگی‌های موسیقایی سجع در نهج البلاغه»، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، دانشگاه بوعلی سینا، سال دوم، شماره ۶، صص ۹۳-۱۱۳.
۴. بهرام پور، شعبانعلی (۱۳۷۸)، درآمدی بر تحلیل گفتمان، کتاب مجموعه مقالات گفتمان و تحلیل گفتمانی، محمدرضا تاجیک، تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
۵. بی‌نام (۱۳۹۹)، شرحی بر خطبة حضرت فاطمه علیها السلام در حضور زنان مهاجر و انصار در بستر بیماری، <https://iqna.ir/fa/news/3948217>.
۶. پورنامداریان، تقی (۱۳۸۱)، سفر درمه: تأملی در شعر احمد شاملو، تهران: نگاه.
۷. یویان، مجید (۱۳۹۱)، «سبک شناسی آوایی شعر حافظ شیرازی با توجه به دیدگاه های موريس گرامون»، سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، شماره ۳، صص ۳۵-۴۷.
۸. تجلیل، جلیل (۱۳۶۷)، جناس در پهنه ادب فارسی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۹. تفتازانی، سعدالدین (۱۴۰۷ق)، المطول فی شرح تلخیص المفتاح، قم: منشورات الداوری.
۱۰. چراغی وش، حسین و سعیده محمودی و محمود میرزایی الحسینی (۱۳۹۵)، «تحلیل گفتمان ادبی خطبه جهاد»، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، دانشگاه بوعلی سینا، سال چهارم، شماره ۸۶، صص ۳۳-۵۴.
۱۱. حموی، ابن حجة (۲۰۰۶)، خزائن الأدب و غایة الأرب، شرح صلاح الدین الهواری، الطبعة الأولى، بیروت: المكتبة العصرية.
۱۲. رضوانیان، قدسیه و مریم محمودی نوسر (۱۳۹۲)، «بررسی لحن در تاریخ بیهقی کهن نامه ادب فارسی»، کهن نامه ادب پارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، شماره ۳، صص ۱۱۳-۱۳۹.
۱۳. رود معجنی، محمود (۱۳۹۱)، سبک شناسی (نظریه‌ها و رویکردها و روش‌ها)، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن.
۱۴. روشنفکر، کبری و فاطمة اکبری‌زاده (۱۳۹۰)، «تحلیل گفتمان انتقادی خطبه فدک حضرت زهرا علیها السلام»، مجله منهج، مرکز مطالعات فرهنگ و اندیشه دینی، سال هفتم، شماره ۱۲، صص ۱۲۵-۱۴۵.

۱۵. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبداللّه (۱۹۸۴)، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، الطبعة الثالثة، القاهرة: مكتبة دار التراث.
۱۶. سامرائی، فاضل صالح (۲۰۰۰)، معانی النحو، الطبعة الأولى، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۱۷. سلیمی، اصغر (۱۳۸۳)، گفتمان در اندیشه فوکو، کیهان فرهنگی، شماره ۲۱۹، تهران: مؤسسه کیهان.
۱۸. شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۹)، موسیقی شعر، چاپ سیزدهم، تهران: آگاه.
۱۹. شمیسا، سیروس (۱۳۸۱)، نگاهی تازه به بدیع، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات فردوس.
۲۰. طحان، احمد و سمیه پرونده (۱۳۹۳)، «بررسی آرایه‌های بدیع لفظی و معنوی در «معارف» بهاء ولد»، مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی، دانشگاه سمنان، سال پنجم، شماره ۱۰، صص ۲۸-۴۸.
۲۱. عاشور، فهید ناصر (۲۰۰۴)، التکرار فی شعر محمود درویش، الطبعة الأولى، بیروت: المؤسسة العربية للدراسات و النشر.
۲۲. فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، تحلیل گفتمان انتقادی، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.
۲۳. فضل، صلاح (۱۹۹۲)، بلاغة الخطاب و علم النص، کویت: عالم المعرفة.
۲۴. قزوینی، جلال الدین (۱۹۰۴)، التلخیص فی علوم البلاغة، تحقیق: عبدالرحمن البرقوقي، الطبعة الأولى، القاهرة: دارالفکر.
۲۵. قزوینی، محمد کاظم (۱۴۱۴ق)، فاطمة الزهرا من المهد إلى اللحد، قم: الطبعة العلمية.
۲۶. کزازی، میر جلال الدین (۱۳۷۳ ش)، بدیع زیبایی‌شناسی شعر پارسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۷. لطفی پور ساعدی، کاظم (۱۳۸۹)، «درآمدی به سخن کاوی»، مجله زبان‌شناسی، دانشگاه تهران، ساله نهم، شماره ۱۳، صص ۹-۳۹.
۲۸. مجلسی، محمداقبر (بی‌تا)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، الطبعة الثالثة، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۲۹. مروان، محمد سعید عبدالرحمن (۲۰۰۶)، دراسة اسلوبية في سورة الكهف، رسالة الماجستير، جامعة النجاح الوطنية، نابلس فلسطين.
۳۰. مشایخی، حمیدرضا و سعیده زارع اطاقسرای (۱۳۹۹)، «تحلیل بافت متنی و بافت موقعیتی سطح دلالی خطبه قاصعه»، فصلنامه مطالعات ادبی متن اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (پژوهشکده اسلام تمدنی)، سال پنجم، شماره ۳، صص ۹-۳۱.

۳۱. معین رفیق، احمد صالح (۲۰۰۳)، *دراسة اسلوبية في سورة مريم*، رسالة الماجستير، جامعة النجاح الوطنية، نابلس فلسطين.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۰۰/۷/۸)، *خطبه فاطمیه در دیدار با زنان مدینه*،
<https://hawzah.net/fa/Article/View/95960>.
۳۳. مهرآیین، مصطفی و علیرضا قبادی (۱۳۹۹)، «تحلیل گفتمان خطبه فدکیه حضرت زهرا (علیها السلام)»، فصلنامه علمی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، دانشگاه تهران، سال دهم، شماره ۲، صص ۹-۲۲.
۳۴. نظری، زیبا (بی‌تا)، *آشنایی مقدماتی با گفتمان، تحلیل گفتمان و تحلیل انتقادی گفتمان*،
www.kiankiani.com
۳۵. وفایی، عباسعلی و مانا اخلاق (۱۳۹۵)، «تأثیر واج در القای مفاهیم با تأکید بر زبان تعلیمی»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، سال هشتم، شماره ۲۹، صص ۳۳-۶۰.
۳۶. هاشمی، احمد (۱۳۶۸)، *جواهر البلاغة في المعاني و البيان و البديع*، قم: مؤسسه مطبوعات دینی.